ایران

سال بیست و یکم
شماره ۵۹۸۷
سه‌شنبه
۶ مرداد ۱۳۹۴
۱۱ شوال ۱۴۳۶

editorial@iran-newspaper.com

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی

مدیرمسئول: محمدتقی روغنی‌ها
سردبیر: محمد نوری
نمابر: ۸۸۷۶۱۴۵۴
تلفن: ۸۸۷۶۱۴۲۰
روابط عمومی: ۵-۸۸۷۶۹۰۷۴
نشانی: تهران - خیابان خرمشهر- شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
امور مشترکین (آبونمان): ۶-۲۲۲۲۲۴۳۵ و ۹-۲۲۲۲۴۳۸
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ - روابط عمومی روزنامه ایران

چاپ: افست. بانک ملی
چاپ همزمان اصفهان (رسانه برتر)
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:
دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران - خیابان خرمشهر - شماره ۱۶
تلفن: ۴-۸۸۵۰۰۶۰۱
پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷
مؤسسه شهرستانها و توزیع: ۲۲۲۲۲۲۹۸-۲۲۲۲۲۲۴۸

سخن روز

پیامبر اسلام (ص): چه بسیارند کسانی که علوم و معارف را می‌دانند ولی عالم و دانشمند به شمار نمی‌روند. هر کس علمش سودش ندهد، جهل و نادانی‌اش زیانش می‌رساند! (نهج الفصاحه ۱۶۴۴)

مکاشفه

کاش نوبت را رعایت می‌کردید!

دفتر رئیس جمهور سابق خبر داده که از معاون اول فعلی شکایت کرده. دفتر معاون اول فعلی هم پاسخ داده که از این شکایت استقبال می‌کند. همین استقبال سبب شده عموجان دلواپس ما هم به صرافت بیفتند تا از جناب جهانگیری شکایت کنند. حالا سوژه شکایت چیست عموجان؟ یعنی آنقدر طرح حقایق درباره بابک زنجانی بر شما و دوستان گران آمده؟

عموجان دندان‌ها را بر هم فشرده و فرمودند:«آنقدر استقبال کنید تا استقبال دان تان منهدم شود. شما با طرح مواضع انحرافی می‌خواهید اذهان عمومی را از فاجعه هسته‌ای منحرف کنید. می‌خواهید سر مردم را با یکسری اباطیل گرم کنید تا کسی نفهمد که اسب زین و برگ شده را با سرگین استری معاوضه کرده‌اید.» عموجان؛ آن‌چیزی که شما اباطیل می‌فرمایید بخشی و فقط بخشی از حقایق تلخ ۸ سال سیطره دولت «هاله نور» است. به هر حال این گزاره که بابک زنجانی ۲ میلیارد پول نفت را از دولت قبل گرفته و به مکان امنی برده و حاضر به بازگرداندن پول هم نیست را حتی دوستان اقلیت دلواپس هم معترفند. نیستند؟

عموجان فریاد زدند:«اقلیت خودتی! اقلیت شما ژنرال‌های اعتدالی هستید که ۱۰۰ میلیارد پول بلوکه شده را چلانده اید و به ۲۰ میلیارد بدل کرده اید. اگر زنجانی ۲ میلیارد برده شما ۸۰ میلیارد اختلاف حساب دارید. آنقدر از تان شکایت می‌کنیم تا دیگر هوس استقبال به سرتان نزند.» حالا استقبال یا هر چی؛ بی‌شک این شکایت شما و شرکای محبوب تان فرصت خوبی برای روشن شدن حقایق دردناک سال‌های قبل است. در ثانی عموجان چرا جوش می‌آورید. خود جناب روح الله حسینیان عضو جبهه پایداری فرمودند که اقلیتی هستند محدود که منتقد توافقند و تلاش می‌کنند صدای شان را به گوش اکثریت فرو کنند.

در همین حین جناب عیدی امین زمامدار مجنون اوگاندا وارد بحث شدند که: «جانم؟ باز با بنده چکار دارید؟ امروز سرم خیلی شلوغ است. زودتر بفرمایید کار دارم.» ما با شما کاری نداشتیم قربان. جناب حسینیان را صدا زدیم. حالا امر مهم و فوری تان چیست که این همه عجله دارید؟ جناب عیدی امین روی ترش کرده و فرمودند: «با بچه‌ها داریم می‌رویم ولنجک آنجا کمپین بغ بغ بغووو را توسعه دهیم تا شاید کبوترهای مان را دوباره پیدا کنیم. شاید هم چند سلفی با کبوترهای مرده آنجا بیندازیم؛ عکس گرفتن با میت که ممنوع شد!» توجه فرمودید؟ چندین و چند مبحث متفاوت را جناب عیدی امین با ولنجک گره زده‌اند که هر کدامش تفسیر مجزایی می‌طلبد. به هر حال دست تقدیر است که کمپین بغ بغوی یک خواننده رپ با حکایت شکایت یک دولتمرد پاکدست در هم گره می‌خورد. کاش دوستان نوبت را رعایت می‌کردند...

کیوسک

شعر و داستان صوتی در «قلک»

تازه ترین شماره ماهنامه «قلک» به عنوان اولین نشریه خردسالان ۳ تا ۷ سال در راستای آموزش مفاهیم اقتصادی به مدیرمسئولی امیر لعلی و سردبیری علی‌اکبر زین‌العابدین منتشر شد. «توپ فوتبالی»، «معرفی شغل آشپزی»، «پیتزای عسل و سالاد مورچه»، «بخون ببین چه خوبه»، «آش دندونی»، «حلزون میوه‌ای»، «گوشتالو»، «تارتَنک و قارکنک و سنگک باغ دکمه‌ای»، «ببین و بگو و بشنو»، «اتل متل یه گاوه» و «پازل برقی» عناوین مطالب این شماره هستند. همچنین سیزدهمین شماره ماهنامه قلک همانند سه شماره اخیر آن حاوی فایل صوتی شعرها و داستان‌های نشریه است که والدین می‌توانند به صورت رایگان این فایل را از طریق نرم‌افزار «واقعیت افزوده» تا پایان مردادماه برای کودکان خود پخش نمایند. شماره ۱۳ مجله قلک، به قیمت ۵ هزار تومان در کیوسک‌های مطبوعاتی توزیع شده است.

روزنه

«کوناکری» پایتخت جهانی کتاب در سال ۲۰۱۷

بعد از نشست‌های متعدد سازمان یونسکو در پاریس «کوناکری»، پایتخت جمهوری گینه به عنوان پایتخت جهانی کتاب در سال ۲۰۱۷ انتخاب و معرفی شد. به گزارش روزنامه هیمالیا، طبق جلسات هیأتی از کارشناسان یونسکو در پاریس کوناکری پایتخت جمهوری گینه به دلیل فعالیت‌های سازماندهی شده برای مبارزه با بیسوادی و کم‌سوادی به عنوان پایتخت جهانی کتاب انتخاب شده است. بر اساس این گزارش که از سوی هیأتی از کارشناسان بین‌المللی سازمان یونسکو مطرح شده دولت گینه در سال‌های اخیر بودجه مناسب و قابل توجهی را برای مبارزه با بیسوادی و کم سوادی اختصاص داده و برنامه‌های کوتاه مدت و بلند مدت متنوعی با هدف آموزش و رشد جوانان خود داشته است.

جناب آقای مهندس داجمر
ریاست محترم هیأت‌مدیره و مدیرعامل
کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران

پس از حماسه آفرینی در هشت سال دفاع مقدس، برگ زرین دیگری از تاریخ اقتصاد مقاومتی ورق خورد و بی‌شک آن شرکت با فعالیت بی‌وقفه در طول تحریم، جایگاه خود را بعنوان نماد اقتصاد مقاومتی تثبیت نمود.
خروج افتخارآمیز شرکت‌های گروه کشتیرانی ج.ا.ا. از شرایط تحریم را به جنابعالی، مدیران و پرسنل کوشا و توانای کشتیرانی ج.ا.ا. تبریک عرض می‌نماییم.

مدیرعامل و اعضاء هیأت‌مدیره
شرکت خدمات حمایتی کشاورزی

نگاره

اردشیر رستمی

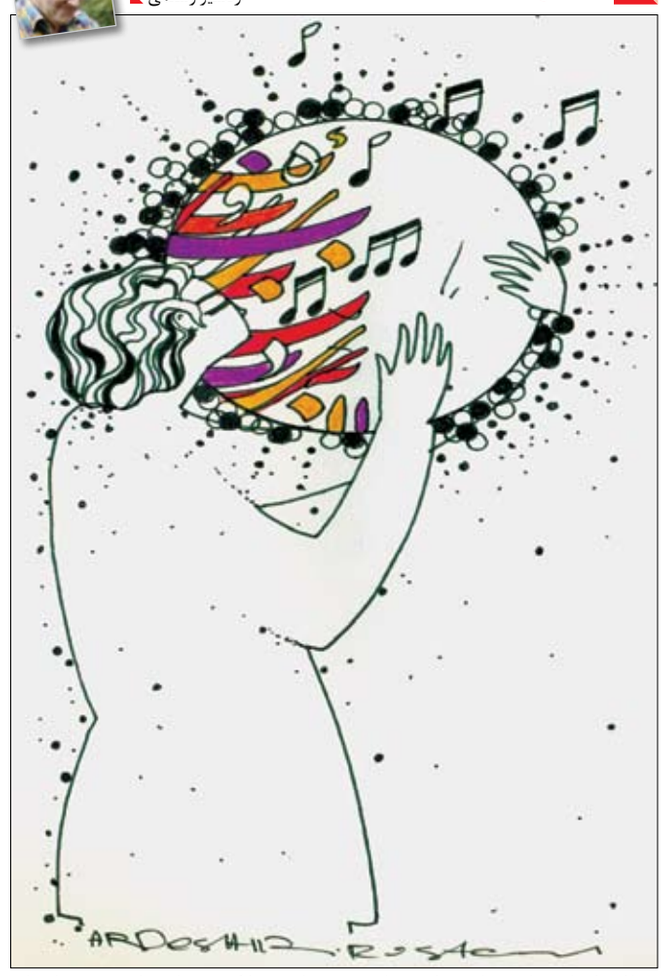

شما ای قله‌های سرکش خاموش، که پیشانی به تندرهای سهم‌انگیز می‌سایید / که سیمین پایه‌های رود زرین را به روی شانه می‌کوبید / غرور و سربلندی هم شما را باد. **سیاوش کسرایی**

برای کردستان باشکوه و مردم نستوهش

یادداشت

نقش چشمگیر زنان در فصل جدید رقابت انتخاباتی

سوسن حاج‌سید جوادی
حقوقدان

فضای سیاسی ایران بتدریج رنگ رقابت انتخاباتی به‌خود می‌گیرد. هواداران و فعالان احزاب و جناح‌های مختلف در جنب‌وجوش هستند. سران و سرآمدان جریان‌ها نیز روزی نیست که جلسه شور و رایزنی تشکیل ندهند.

در این میان تجربه انتخابات خرداد ۹۲ نگاه برنامه ریزان ستادهای احزاب را به خود مشغول کرده است. انتخاباتی که بسیاری از معادلات و محاسبات بازیگران سیاسی را به‌هم ریخت و سرآغاز تحولی شگرف در فضای سیاسی ایران شد. تجربه انتخابات ریاست جمهوری، حقایق تازه‌ای از «وزن» و قدرت طبقات اجتماعی ایران آشکار کرد. در رأس هرم نیروهایی که حماسه خرداد ۹۲ را رقم زدند نقش دو گروه نگاه‌ها را خیره کرد؛ جوانان و زنان، از همین رو است که این روزها، طبقه زنان و نسل جوان پای ثابت همه نشست‌ها و ضیافت‌های سیاسی هستند. در سطح تهران و استان‌ها می‌توان چندین طرح و پروژه را سراغ گرفت که به‌صورت آشکار و پنهان برای جلب حمایت و آرای زنان و جوانان کلید خورده‌است. این نوشتار بر حوزه فعالیت در مسیر انتخابات آینده نگاه افکنده‌است. با این فرض که در عصر دولت اعتدال فضایی فراخ برای نقش آفرینی این طیف فراهم شده است و چنانکه فعالان و نخبگان حوزه زنان بر پاره‌ای موانع ذهنی و عینی فایق آیند می‌توان انتظار داشت فرایند مشارکت در انتخابات به لحاظ کمی و کیفی تحولی بنیادین را به چشم ببینیم. با تجربه دوره‌های مختلف انتخابات دهه‌های اخیر می‌توان عوامل بازدارنده از نقش زنان در عرصه‌های سیاسی و انتخاباتی را در چند محور نگریست:

۱- زنان حداقل نیمی از رأی دهندگان هستند که تقریباً در همه کشورها حق رأی و احراز مقام را به‌دست آورده‌اند و حضورشان در میان نامزدهای احراز مناصب دولتی همچنان اثرگذار و چشمگیر است. آنها با «وزن جمعیتی» که دارند قادرند در همه عرصه‌ها چه دولتی و غیر دولتی به مقام‌های بالاتری برسند. بند ۱۸۶ سند پکن در مورد نسبت نازل زنان می‌گوید: «در میان تصمیم‌گیرندگان اقتصادی و سیاسی در سطوح محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بازتاب موانع ساختاری و نگرشی است که باید از طریق اقدام‌های مثبت به مقابله با آنها برخاست.» برای حضور زنان در انتخابات، ایجاد توازن جنسیتی در فهرست‌های نامزدهای انتخاباتی حق تحفظ قائل باشیم. اشاره به اصولی از قوانین اساسی جمهوری اسلامی ایران ثابت می‌نماید که زنان همانند مردان می‌توانند در کلیه همه پرسی‌های انتخاباتی مشارکت و حضور در صحنه داشته باشند و خود را در این موارد تحریم نکنند: اصل بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌گوید: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند.» بند ۱ از اصل بیست و یکم قانون اساسی: «دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید.»

۲- یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین ارکان انتخابات سالم و مناسب که می‌تواند کشور را به مرز پیروزی و هدف متعالی سوق دهد یا به تعبیری راهبری نماید، همان حضور یکپارچه در صحنه خواهد بود که با اعتقادی راسخ، مقبولیت نظام را مهر تأیید زده و رسالت خود را تکمیل نمایند. با این حال این حضور هنگامی به تحقق می‌پیوندد که تمامی جریان‌های سیاسی به شکل مثبت رقم زده شود و به یک آرمان تبدیل گردد و این آرمان‌ها باورها هم به شکل اعتمادی مثبت و متعالی هدفمند گردد. واقعیت این است، میزان مشارکت برای همه طبقات جامعه از جمله زنان در یک مدت کوتاه شکل نمی‌گیرد بلکه باید در زمینه فراهم کردن و ایجاد ذهنیت مثبت در اذهان عمومی و اینکه آنان را تشویق و ترغیب کرد تا اعتماد لازم را داشته باشند و این مهم با برنامه‌ریزی‌های قوی و مستحکم و پایدار به صورت دقیق در یک میدان مهم سیاسی همچون رأی محقق می‌شود.

۳- یکی دیگر از عوامل مهم و سازنده که می‌تواند درمیزان مشارکت طبقات مختلف جامعه از جمله زنان در انتخابات تأثیرگذار باشد«ثبات اقتصادی» و چشم‌انداز رفاهی آنان است، بنابراین تضمین ثبات اقتصادی بسیار نقش کلیدی را در تقویت روحیه طیف‌های مختلف از جمله زنان ایفا می‌کند.

۴- زنان نیز مانند همه جریان‌های سیاسی برای نقش آفرینی در صحنه انتخابات به عنصر آرامش و امنیت نیازمند هستند. ایجاد امنیت و دوری از رفتارها و اندیشه‌های حذف و برقراری فضای آرام در انتخابات مهمترین اهرمی است که می‌توانند در پیروزی نقش بزرگی ایفا نماید. فضای فعالیت سیاسی زنان می‌بایست با امنیت هر چه تمامتر شکل‌بگیرد، بدون درگیری و تشنج و منازعات منفی علیه یکدیگر پایه یک انتخابات صحیح، رقابت مثبت و قاعده‌مند است. در توضیح انتخابات رقابتی اینکه فضای انتخابات باید یک فضای آزاد و باز سیاسی بدون هرگونه گرایش ستیزه‌جویانه راهبری شود زیرا ایجاد فضای سالم رقابتی در انتخابات باعث می‌گردد که روند اعتماد عمومی رو به افزایش و به مرز حداکثر خود دربیاید.

نگاه

درباره کامران فانی و بزرگداشت او در کتابخانه ملی

ارادتی بنما تا سعادتی ببری

بهاءالدین خرمشاهی

براستی در عمر هفتاد ساله‌ام، که پنجاه و یک سالش در مصاحبت مهرانگیز و فرهنگ پرور و حکمت‌آمیز استادم کامران فانی گذشته است، کمتر کسی را در پایه فضل و فرهنگ و فروتنی او دیده‌ام. از او بیش از هر کسی علم و علم دوستی و علم‌آموزی آموختم. اتحاد عاقل و معقول یا عالِم ومعلوم را در وجود شریف او متجلی و مجسم دیده‌ام. دیده‌ام که چه بسیار ایران‌شناسان که برای رهجویی به نزد او آمده‌اند، از گستردگی و ژرفای دانش او حیرت‌زده شده‌اند و اغلب آنها گفته‌اند که نظیر این دانشمند را در غرب هم کمتر دیده‌ایم. در مقالات دیگر که درباره فانی نوشته‌ام و نیز در کتاب فرار از فلسفه- که زندگینامه خودنوشت فرهنگی من است و ۱۸-۱۷ سال پیش از سوی نشر جامی منتشر شده و مدتی است که به همت و همیاری مهندس امیررضا پوررضایی آن را در دست ویرایش و افزود و کاست داریم- بارها گفته‌ام و بار دگر می‌گویم که فانی نه فقط نزدیک‌ترین رفیق من است بلکه از بزرگترین استادانی است که در عمر خود دیده و داشته‌ام. او از نوادر کسانی است که دانشش به بینش بدل شده است یا به تعبیر دیگر فضلش به فرزانگی. فانی مایه فخر ایران و افتخار شهر کهن زادگاهش قزوین و یکی از چهار علامه این شهر است. آن سه بزرگمرد دیگر: حضرت آیت‌الله العظمی سیدابوالحسن رفیعی قزوینی، استاد محمد قزوینی و علامه علی اکبر دهخدا هستند. فانی در علم‌آموزی و علم‌دوستی و خدمتگری فرهنگی همتا ندارد و مردی چند فرهنگی است و در تاریخ و فرهنگ ایران باستان، ایران اسلامی و اسلام ایرانی و فرهنگ دیروز و امروز غرب، صاحبنظر است و البته فرهنگ‌های خاوری و خاور دور را هم ژرفاژرف می‌شناسد. او پس از استاد هردومان، سرکار خانم پوراندخت سلطانی، بزرگترین کتابدار امروزین ایران است. اگر فقط اثر مرجع اخیر، تدوین مشترک این بزرگان، یعنی فرهنگ یا فهرست سرعنوان‌های موضوعی (انگلیسی- فارسی) را در نظر بگیریم، برای اثبات صدق این مدعا کافی است. براستی بر خلاف آنکه فانی کم کار به نظر می‌رسد اما فقط آثار مرجعی که تدوین یا سرپرستی کرده است حیرت‌انگیز است. به نمونه‌هایی اشاره می‌کنم: دانشنامه کودکان و نوجوانان، فرهنگ موضوعی قرآن (که متن آن عربی است و ارجاعات فارسی دارد) کوشش مشترک فانی و بنده است که از سال ۱۳۶۴ تا امروز مکرر کار شده و حتی دو قرآن‌پژوه لبنانی آن را با حذف ارجاعات فارسی و افزایش متن آیات قرآنی، عینا اقتباس کرده‌اند. سرپرستی دانشنامه ملی‌گرایی و سپس دانشنامه دموکراسی و همکاری کارساز در سرپرستی دانشنامه عظیم دانش‌گستر با همکاری عمده دکتر علی رامین و مهندس محمدعلی سادات (در ۱۸ جلد) از دیگر دستاوردهای علمی بزرگ فانی است. بنده علاوه بر نگارش چندین مقاله، چندین شعر هم برای این یگانه روزگار سروده‌ام. جدیدترینش این رباعی است که هنگام نوشتن این مقاله کوتاه در روز شنبه دوم مرداد ماه ۱۳۹۴ به ذهنم رسید:

عمری است به کامران ارادت دارم / زین بیش چه خواهم که سعادت دارم
یک روز اگر نبینمش غمگینم / من نیز چو او به علم عادت دارم

حوالی فرهنگ

بازارِ موسیقی ایران در فیلمی از وودی آلن!

یزدان سلحشور

کی،چی می‌فروشد؟! تا حالا فکر کرده‌اید که بروید قصابی و لوازم یدکی پراید بخرید یا کفاش محل، تورفتگی در جلو طرف راننده را با صافکاری بدون رنگ، خوب در بیاورد؟! اگر فکر کرده‌اید که دارم شوخی می‌کنم خیلی در اشتباهید! اصلا بعضی از وقایع هستند که اگر آدم بخواهد در موردش جدی هم صحبت کند، ملت شکم‌شان را می‌گیرند و یک حرکت نرمشی به خودشان می‌دهند و قِل می‌خورند تا خود خزانه!مثلا یکی اینکه روی شیشه جلو تاکسی خطی نوشته شده: کرایه ۸۵۰ تومان. راننده می‌گوید ۱۵۰۰ تومان! شما نوشته را نشان می‌دهید: «پس این چیه؟» و می‌شنوید: «این قیمت کرایه هستش!» و: «اینم ۸۵۰ تومن!» و: «گفتم ۱۵۰۰ تومن!» به همین سادگی شما وارد یکی از فیلم‌های وودی آلن می‌شوید که قرار است چند سال دیگر در نیویورک بسازد اما شما هر روز دارید در تهران تجربه‌اش می‌کنید!

اوایل که صحبت فروش فیلم و کارتون و آلبوم موسیقی در سوپرمارکت‌ها پیش آمد، صحبت این بود که این کار به چرخه فروش پخش خانگی کمک کند اما حالا ظاهرا قصه چیز دیگری شده؛ البته خوب است که کفاش محل، تورفتگی در جلو را هم بدون رنگ درست کند اما کار، دیگر نباید برسد به جایی که صافکارهای خیابان زنجان شمالی تعطیل کنند و بروند دنبال گز کردن آزادی تا انقلاب و مهندسی پیاده‌رو! کفاش هم بعد از یک مدتی، دیگر صافکاری بدون رنگ نمی‌کند، کفش خودش را می‌دوزد و آن وقت باید صافکار از چین وارد کنیم! ایسنا گزارشی منتشر کرده درباره وضعیت بازار آلبوم موسیقی؛ من چند جمله‌اش را اینجا می‌آورم که خنده‌دار هم نیست در واقع برای درآوردن اشک شماست: «وقتی از یکی از فروشندگان قدیمی موسیقی خواستیم تا فهرست پرفروش‌هایش را در اختیارمان قرار دهد، گفت: این روزها هیچ آلبومی خوب نمی‌فروشد. در واقع روزهای بدی است. خیلی بد. آن رکودی که هر سال از اردیبهشت شروع می‌شد و تا پایان خردادماه ادامه پیدا می‌کرد، امسال خیلی کش آمده است. مدیر یک فروشگاه دیگر هم اعتقاد دارد: پخش سوپرمارکتی آلبوم‌های پاپ تا حدی شرایط فروش ما را دگرگون کرده است، چون مخاطب موسیقی پاپ از محل زندگی‌اش آلبوم مورد علاقه‌اش را تهیه می‌کند و اصلا سری به فروشگاه‌های بزرگ نمی‌زند که بفهمد چه خبر است. اگر فروش آلبوم‌های پاپ دست ما بود، شاید می‌توانستیم در کنارش چند اثر کلاسیک هم بفروشیم.»

نوا

کنسرت ویژه بانوان سیمین غانم در تالار وحدت

سیمین غانم به همراه گروهش ۹ مرداد کنسرت ویژه‌ای را در تالار وحدت برای بانوان روی صحنه خواهد برد.

در این کنسرت که جمعه این هفته از ساعت ۱۵ تا ۱۷ برگزار می‌شود سیمین غانم به اجرای ۲۲ قطعه از آثارش را که بخش عمده‌ای از آنها قطعات خاطره انگیز هستند برای بانوان اجرا خواهد کرد.

عکس نوشت

قطب الدین صادقی
نویسنده و کارگردان تئاتر

سفر روز یکشنبه رئیس جمهوری به سنندج

چند نکته در پی سفر رئیس جمهوری به استان کردستان

اشتراکات و افتراقات فرهنگی را توأمان به رسمیت بشناسیم

اگر بخواهیم درباره تأثیر سفر رئیس جمهوری به استان کردستان، سخن بگوییم، اکنون کمی زود است و باید منتظر نتایج و مصوبات سفر بود؛ مصوباتی که البته تأثیراتی عمیق در منطقه بر جای خواهد گذارد. اما لازم می‌بینم که به چند نکته اشاره کنم:

۱. مشارکت سیاسی، مهم ترین مطالبه مردم کردستان است. متأسفانه متخصصان کردستان که تعدادشان هم زیاد است، چندان به کار گرفته نشده‌اند و حتی اکنون استاندار و برخی دیگر از مدیران ارشد منطقه، غیر بومی هستند. این منطقه، مملو از نیروهای دانا و توانا است که می‌توان آنها را به کار گرفت.

۲. مسأله دیگر، اقتصاد است. طبق آخرین برآوردها، تنها ۷ درصد بودجه کردستان، از تولید داخلی تأمین شده و مابقی از خارج استان می‌آید که این، نشان از کمترین تولید ثروت دارد. متأسفانه کشاورزی و صنعت - مانند عموم استان‌های اقلیت نشین - وضع چندان مناسبی ندارند. وقتی استان کردستان، پیش از سیستان و بلوچستان و ایلام، در تخصیص بودجه، رتبه آخر را دارد، طبیعی است که نمی‌توان چندان به توسعه این منطقه دل بست.

۳. تفاوت‌های فرهنگی بسیار مهم است. لازم است تا علاوه بر اشتراکات فرهنگی، افتراقات را هم مورد توجه قرار داده و به آن احترام بگذاریم. به عنوان مثال، با نمایش «عزیز شنگال» که در جشنواره تئاتر فجر - در سال گذشته - روی صحنه بردیم و قرار بود در نوروز، در استان کردستان اجرا داشته باشیم، مخالفت شد. به نظر می‌رسد، تا احترام متقابل و شناخت دیگری که مهم‌ترین فلسفه ربع آخر قرن بیستم بود، در نظر گرفته نشود، همگرایی رخ نخواهد داد. جز این، فرهنگ و هنر و زبان و ادبیات کرد، باید به رسمیت شناخته شود تا مایه دلگرمی مردم شود.

بعدالتحریر: این نکات را نه با دولت قبل، که با دولت تدبیر و امید در میان گذاشتم که معتقدم برآمده از باورهای اصیل مردم و محورهای دموکراتیک است؛ کمااینکه استقبال مردم از رئیس جمهوری، مصداقی بر این محبوبیت است و گمان می‌کنم می‌توان عریان و بی‌پرده با آن سخن گفت.

پنجره

پنجره‌های بدون ضربدر

پنجره ورودی در دیوار، برای وارد شدن روشنایی، هوا یا هر دو و دیده شدن فضای بیرون یا درون. (فرهنگ معین)

سارا جمال آبادی

جنگ برای ما که در آن سال‌ها بچه مدرسه‌ای بودیم صدای آژیر بود و سوت کشیدن مرگی که دیوانه‌وار می‌دید به سمتی که نمی‌دانستیم کجاست.جنگ بیدار شدن از خواب و هراسان میان کابوس پایین رفتن از پله‌های تاریک خانه بود و پناه گرفتن زیر شیب راه پله هایی که می‌گفتند امن ترین جای دنیا است.

جنگ بستن اجباری چشم‌ها بود به روی زندگی، تکان خوردن خانه بود و فشرده شدن میان بغل آدم بزرگ هایی که ترس‌شان از ما بیشتر بود که ما بچه بودیم ودنیا همه برایمان همان روز و لحظه بود و فردا را نمی‌دانستیم چه برسد به دانستن فردا،فردای جنگ.... سال‌های جنگ بود و ما بچه‌های آن روزها برایمان پنجره شکل و معنایی دیگر داشت. پنجره هایی که نوار پوش چسب، ضربدری روی آنها خورده بود و ما دنیا را از پشت آن ضربدرها می‌دیدیم...درخت‌ها پشت ضربدر،حیاط پشت ضربدر،تن کوچک دوچرخه آهنی مان که تکیه داده بود به دیوار پشت ضربدر،کوچه پشت ضربدر، صورت دوست کنار وانتی که همه اثاث هایشان را کول کرده بود پشت ضربدر. جنگ ضربدر بزرگ روی دهان پنجره بود که جسارت می‌داد به دیدن، دویدن، بازی کردن،خیال کردن ولی آن روزها پنجره ترس بود و احتمال ریختن. برای ما بچه‌های کودک در جنگ، پنجره شکل و معنای دیگر داشت.پنجره ایستا نبود،پنجره پا داشت،می دوید.دور می‌شد و آنها را که دوست‌شان می‌داشتیم،که آویزان شده بودند از پنجره با آن لباس‌های همه سبز سربازی و کلاه‌هایی که در هوا تکان می‌دادند به «خداحافظ زود بر می‌گردیم» با خود می‌برد.

برای ما بچه‌های آن سال‌ها پنجره شکل به شکل می‌شد.یک روز ضربدری می‌شد،یک روز نزدیک شدن به آن ممنوع می‌شد و یک روز آزاد و یک روز همان طور که راه گرفته بود و رفته بود بر می‌گشت و می‌شد پنجره‌های اتوبوسی با نوار سفید سربازان آزاد وطن که از شهرهایمان که شهرهای خودشان نبود می‌گذشتند و ما کنار خیابان برای آنها که مثل بچه‌ها آویزان شده بودند از پنجره‌های کوچک دست تکان می‌دادیم و راز اشک و خنده شان را نمی‌دانستیم. پنجره این روزها برای ما که کودکی در جنگ کرده‌ایم و از پشت ضربدرها حیاط خانه را دیده ایم، آوارگی همسایه را دیده ایم، رفتن آنکه جان عزیز بوده را دیده‌ایم، آزادی را دیده ایم معنای دیگر دارد... این روزها که سایه سیاهی جنگ از سر کودکانمان کم شده و پنجره راه می‌دهد به دیدن،دویدن و خیال کردن...

آن سوی مرز

روایت زندگی «پابلو نرودا» در یک فیلم سینمایی

کمپانی «Participant Media» به صورت رسمی از آغاز ساخت فیلم زندگی «پابلو نرودا» شاعر پرآوازه و برنده نوبل شیلیایی خبر داد. «پابلو لارن» که پیش از این با فیلم «NO» در سال ۲۰۱۳ به جمع نامزدهای نهایی جایزه اسکار بهترین فیلم خارجی راه یافته بود حالا قصد دارد فیلم زندگینامه «پابلو نرودا» را به سینما بیاورد. نگارش فیلمنامه زندگینامه «پابلو نرودا» برعهده «گیلرمو کالدرون»نمایشنامه‌نویس شیلیایی است و فیلم در نهایت به عنوان محصول مشترک سینمای شیلی، فرانسه، اسپانیا و آرژانتین راهی سینماهای جهان خواهد شد. «پابلو نرودا» فعال سیاسی و شاعر برنده جایزه نوبل ادبیات بود که در جنوب سانتیاگو به دنیا آمد، او که یکی از حامیان سرسخت «سالوادور آلنده» رئیس جمهوری چپ‌گرای شیلی بود فقط ۱۲ روز پس از کودتای نظامی «آگوستو پینوشه» که به سرنگونی «آلنده» انجامید، در بیمارستان درگذشت و برخی معتقدند او به‌دلیل اینکه قصد داشت رهبری حزب مخالفان حکومت را برعهده بگیرد، به قتل رسیده است.

فراخوان

فراخوان نخستین جایزه شعر احمد شاملو

مؤسسه الف. بامداد در نظر دارد به منظور ارج نهادن به شعر امروز فارسی و گرامیداشت یاد شاعر بزرگ معاصر احمد شاملو (ا. بامداد) در سالروز تولد او (۲۱ آذر ماه) به بهترین کتاب‌های شعر نو منتشرشده در طول سال قبل جایزه‌ای اعطا کند.

این مسابقه زیر به نظر هیأت امنای مؤسسه الف بامداد برگزار می‌شود. حافظ موسوی به عنوان دبیر نخستین دوره این جایزه انتخاب شده است. علاقه‌مندان به شرکت در این جایزه می‌توانند تا پایان شهریور ماه آثار خود را به دفتر این مؤسسه ارسال کنند.

درنگ

اعطای اختیارات ویژه به دکتر مصدق

رضا سلیمان نوری

وقایع ۳۰ تیر سال ۱۳۳۱خورشیدی شرایط کشور را به سویی برد که برای شاه و دربار حداقل به صورت ظاهری هیچ راهی بجز قبول درخواست‌های دکتر مصدق به عنوان رهبر جنبش ملی شدن صنعت نفت باقی نماند. بر همین اساس بود که مصدق پس از قبول مجدد نخست‌وزیری در چنین روزی از سال ۱۳۳۱ گامی تازه برای کنترل بیشتر اوضاع برداشت تا دربار را بیش از پیش در برابر مردم ناتوان سازد. او در این روز لایحه درخواست اختیارات ویژه برای خود به عنوان نخست‌وزیر را تسلیم مجلس کرد. در این لایحه معین شده بود که«رئیس دولت به مدت شش ماه اختیار دارد تا در اجرای برنامه‌های خود، قوانین و آیین‌نامه‌ها و ضوابطی را که ضروری می‌داند به صورت آزمایشی به مرحله اجرا بگذارد و پس از این مدت به مجلس بیاورد و تا تعیین تکلیف در مجلس، آن قوانین همچنان لازم الاجرا باشند.» این لایحه روز بعد به تصویب رسید.

تبریز	تهران	مشهد	اهواز	بندرعباس	یزد	شیراز	رشت
۳۸	۳۶	۳۶	۴۹	۴۱	۳۸	۳۶	۳۳
۲۴	۲۵	۲۱	۳۱	۳۲	۲۵	۱۹	۲۰